

همه خاطرات کودکی تان واقعی نیست!



وقتی مغز نتواند همه جزئیات یک خاطره را به یاد بیاورد، خودش جاهای خالی را پر می‌کند. این نتیجه پژوهش جدیدی است که می‌تواند بر خیلی از پرونده‌های دادگاهی جهان تاثیر بگذارد.

وقتی مغز نتواند همه جزئیات یک خاطره را به یاد بیاورد، خودش جاهای خالی را پر می‌کند. این نتیجه پژوهش جدیدی است که می‌تواند بر خیلی از پرونده‌های دادگاهی جهان تاثیر بگذارد.

مجید جویا: پژوهشی جدید انجام شده که نتایجش می‌تواند بر خیلی از پرونده‌های دادگاهی جهان تاثیر بگذارد: وقتی مغز نتواند همه جزئیات یک خاطره کودکی را به یاد بیاورد، خودش جاهای خالی را پر می‌کند.

این تحقیق که نتایج آن در آخرین شماره نشریه اکسپریمنتال سایکولوژی منتشر شده، نشان می‌دهد که خاطرات دوران کودکی از صحت و اعتماد پذیری کمتری نسبت به آن چه گمان می‌کنیم برخوردارند.

روانشناسان دریافته‌اند به رغم این که معمولا مردم می‌توانند پاسخ «چه چیزی» «کجا» و «چه کسی» را در یک موقعیت خاص به خاطر بیاورند، در به یادآوری یک تصویر ذهنی کامل از آن خاطره به مشکل برمی‌خورند.

به گفته دانشمندان، جزئیات بیشتر همچون رنگ‌ها، هوا یا ساعت دقیق یک رخداد به احتمال زیاد حاصل تخیلات و ضمیر ناخودآگاه ماست. نویسندگان مقاله این تحقیق جدید، ادعا می‌کنند که یافته‌های آنها می‌تواند اثر مهمی بر پرونده‌های قضایی داشته باشد، که در حال حاضر، در مواردی که شهود در مورد جرمی که در دوران خردسالی خود شاهد آن بوده‌اند شهادت می‌دهند، اگر جزئیات بیشتری را به خاطر بیاورند، باور پذیرتر است.

این پژوهشگران از تحقیق خود چنین نتیجه گرفته‌اند که قدیمی‌ترین خاطرات «به ندرت دربر دارنده آن دست از جزئیات خاصی هستند که بازپرس‌های حرفه‌ای به دنبال آنها هستند».

نویسنده ارشد این مقاله، کریستین ولز از دانشگاه هالام در شفیلد انگلیس می‌گوید: «اعضای هیئت منصفه اغلب به شهادت‌هایی واکنش مثبت نشان می‌دهند که جزئیات بسیاری در آنها بیان شده باشد، و دست کم در انگلستان محکومان بسیاری بر اساس این نوع مدارک محکوم می‌شوند. یافته‌های ما نشان می‌دهند که خاطرات دوران اولیه کودکی از وقایع مثبت و منفی، حاوی جزئیات نسبتا اندکی هستند. برای مثال کمتر کسی می‌تواند به طور قطعی به خاطر بیاورد که در سن چهارسالگی چه می‌پوشیده و چه وقت به رختخواب می‌رفته و یا مثلا لباس خواب او صورتی رنگ بوده یا رنگی دیگر داشته است.

در اتهام‌هایی با حکم 10 سال زندان یا بیشتر، پرسیدن این سوال اهمیتی حیاتی دارد که یک فرد بزرگسال چه مقدار از چیزهایی را که ادعا می‌کند از دوران کودکی خود به خاطر دارد، واقعا به یاد می‌آورد. دادگاه‌ها و دیگر جاهایی که در آنها، حافظه به عنوان یک مدرک مورد تایید است، باید بدانند که چه چیزی عموما قابل یادآوری است، چه چیزی در موارد نادر به خاطر سپرده می‌شود، و چه چیزی امکان به یاد آوردن را ندارد».

دادستان‌ها از این حقیقت استفاده می‌کنند که شاهدان بزرگ سال آنها می‌توانند جزئیات بسیار ویژه‌ای از وقایع کودکی را به یاد بیاورند و از آنها به عنوان "مدرک قوی" برای اثبات رخ دادن یک جرم خاص بهره می‌برند.

این پژوهش فرض را بر این نهاده که وقتی کودکان در همان سنین خردسالی برای یادآوری جزئیات یک خاطره به مشکل برمی‌خورند، این که بتوانند در بزرگسالی آن را دوباره به خاطر بیاورند، چندان محتمل نیست.

در این تحقیق آمده است: «از این یافته‌ها چنین برمی‌آید که (جزئیات) از همان ابتدا هم در حافظه بلند مدت آنها ذخیره نشده است. اگر این درست باشد، بازیابی آنها در بزرگسالی غیر ممکن خواهد بود».

روانشناسان از 127 نفر خواستند تا 4 مورد از قدیمی‌ترین خاطرات کودکی خود را که تقریبا در مورد آنها مطمئن بودند، به خاطر بیاورند. سپس از آنها در مورد برخی جزئیات خاص سوال کردند.

وقتی که نتایج بررسی شدند، محققان دریافتند که شرکت کنندگان برخی انواع جزئیات را بیشتر از بقیه جزئیات به خاطر می‌آورند. جزئیاتی همچون اینکه شرکت کنندگان در آن زمان به چه چیزی فکر می‌کردند، وضع هوا و سن فرد کمتر از بقیه به خاطر آورده شده بودند. همچنین داوطلبان کمتر می‌توانستند به خاطر بیاورند که آن حادثه در چه زمانی از روز رخ داده بود یا در آن زمان چه چیزی پوشیده بودند.

یافته‌های بیشتر نشان می‌دهند که افراد بالغ جزئیاتی را به حافظه خود افزوده‌اند. احتمالاً این جزئیات افزوده شده از منابع مطمئنی به دست آمده‌اند، منابعی مانند صحبت با مادر، عکس‌های خانوادگی، حافظه یک نفر دیگر یا چیزهایی از این دست. البته، این جزئیات که در طول سال‌ها به خاطر اصلی افزوده شده‌اند، می‌توانند حاوی اطلاعات نادرستی هم باشند.